

چگونه از کلمه اسلام را با عجز بر سر بیاوریم

اسلام در ایران بتدریج پیش رفت

ایران ، معامله اهل کتاب میکردند (۱)
 و اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) اگر
 بحقیقت اسلام پی نمی بردند می توانستند در مذهب
 خود باقی بمانند و از امنیت حکومت اسلامی استفاده
 کنند و در عوض بجای مالیات ، جزیه بپردازند .
 یا اینکه آئین جدید را پذیرفته در شمار مسلمانان
 در آیند .

« ادوارد براون » در کتاب خود « تاریخ ادبیات
 ایران » در ذیل این سؤال : (آیا اسلام به زور به
 ایران تحمیل شده یا ایرانیان به رغبت اسلام را
 پذیرفته اند) می نویسد :
 « ... مسلم است که قسمت اعظم کسانی که تغییر
 مذهب دادند بطیب خاطر و به اختیار و اراده خودشان

با اینکه مسلمانان ، سهولت و آسانی توانستند
 کشور ایران را بتصرف خود در آورند ولی باید باین
 نکته توجه داشت که : انتشار دین اسلام ، در ایران
 بهمان سرعتی که مجاهدان اسلامی پیش رفتند ،
 نبود تبدیل و گرایش زردشتیان بدین اسلام ، بهمان
 گونه که در اندک مدتی سلطنت ساسانی بحکومت
 خلفا تبدیل یافت ، صورت نگرفته است .

بطور مسلم اسلام در ایران تدریجی پیش رفته و
 هیچگونه گواهی از تاریخ نداریم که پیشرفت اسلام
 در این سرزمین در اثر زور و فشار مسلمانان باشد
 بلکه دلائل بسیاری در دست است که خلاف این را
 می رساند .

طبق تصریح مورخان : مسلمین ، باز دشتیان

(۱) فتوح البلدان : بلاذری ص ۲۶۶-۲۶۷ - المسالك والممالك : ص ۱۲۶-۱۹۴ - ایران در زمان

ساسانیان پرفسور کریستن سن : ص ۸۹ .

و همچنین بنا بنوشته «ابن خرد اذبه» بیشتر مردم کرمان در تمام مدت خلافت امویها در دین زردشتی باقی بوده اند . (۴)

و در زمان «اصطخری» صاحب کتاب (مسالك الممالك) هنوز بیشتر مردم فارس زردشتی بودند (۵) (کتاب : مسالك الممالك در حدود ۳۴۰ هجری تألیف شده است)

و همچنین «مقدسی» صاحب کتاب (احسن التقاسیم) که از مورخان و جغرافیدانان بزرگ جهان اسلام است و خود به ایران نیز مسافرت کرده است در صفحات مختلف کتاب خویش از زردشتیان فارس و نفوذ بسیار و احترام آنها نزد مسلمانان که از سایر اهل ذمه محترم تر بودند یاد کرده است . طبق نوشته این مورخ زردشتیان ایران آزادانه مراسم و تشریفات مذهبی خود را انجام میدادند (۶)

« مسعودی » در کتاب معروف خود (مروج الذهب) از آتشکده های زردشتیان که در عصر وی همچنان دایر بوده ، یاد می کند و از جمله از آتشکده ای در « دارا بگرد » نام می برد و می گوید : این آتشکده بزرگ در این تاریخ (سال ۳۳۲ هجری) وجود است و زردشتیان به این آتشکده بیش از آتشکده های دیگر اهمیت میدهند و بیش از همه تعظیم و تقدیس می کنند (۷)

بود . پس از شکست ایران در قادیسیه ، فی المثل چهار هزار سرباز دیلمی (نزدیک بحر خزر) پس از مشاوره تصمیم گرفتند به میل خود اسلام آورند و به مسلمانان ملحق شوند . این عده در تسخیر جلولا به تازیان کمک کردند و سپس با مسلمین در کوفه سکونت اختیار کردند و اشخاص دیگر نیز گروه گروه به رضا و رغبت به اسلام گرویدند (۲)

باین ترتیب مردم ایران بتدریج اسلام را پذیرفتند و بهمان اندازه که ، اسلام رفته رفته در دل های ایرانیان جا باز میکرد ، آئین زردشتی رونق خود را از دست میداد و روز بروز از پیروان آن کاسته میشد .

تاریخ نویسان اسلامی از چندین خانواده نام می برند که تا قرن های دوم و سوم و حتی تا قرن چهارم هجری همچنان به آئین زرتشت باقی بوده اند و در اجتماع مسلمانان محترم می زیسته اند و سپس با طیب خاطر و رضایت کامل دین خود را ترك گفته مسلمان شده اند .

می نویسند : سامان جد اعلای سامانیان که از بزرگان بلخ بوده در حدود قرن دوم ، « کریم » فرزند شهریار ، مؤسس سلسله خاندان قابوس در اوائل قرن سوم و ابوالحسن مهیار دیلمی که در ادبیات عرب شهرت بسزائی دارد ، در اواخر قرن چهارم به آئین اسلام گرویدند (۳)

(۲) تاریخ ادبیات ایران : ج ۱ ص ۲۹۹ .

(۳) فرهنگ ایرانی ص ۲۸ .

(۴) المسالك والممالك : ابن خرد اذبه ص ۱۲۶ و ص ۱۹۴ طبع لیدن سنه ۱۳۰۶ هجری .

(۵) مسالك الممالك : ابراهیم بن محمد الفارسی الاصطخری : ص ۱۳۹ طبع لیدن

(۶) احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم ص ۴۲-۲۹-۳۹ .

(۷) مروج الذهب : ج ۱ ص ۳۸۲ طبع مصر - تحت عنوان : فی ذکر الاخبار عن بیوت النیران وغیرها

سورة الارض : ابن حوقل ص ۲۴۲ طبع لیدن

از آنچه گفته شد، معلوم می‌شود ایرانیان تدریجاً اسلام را پذیرفته اند و زردشتیان، درقرنهای نخست اسلام از آزادی کامل برخوردار بودند و با تمام مظاهر خود در ایران سیرعادی و طبیعی خود را ادامه میدادند و بسیاری از آتشکده ها، همچنان روشن و مرکز پیشوایان دینی زردشت بوده است. مؤبدان و دانشمندان ایرانی مثل سابق فعالیت‌های دینی و فرهنگی خود را دنبال می‌کردند.

مؤبدان زرتشتی مورد احترام بودند:

مطابق آنچه مورخان و جغرافی نویسان اسلامی، می‌نویسند. در دوره های نخستین اسلامی با مؤبدان زرتشتی از طرف خلفا و مردم رفتار خوبی می‌نمودند و حتی بقدری آزادی عمل داشتند که اگر احیاناً مسلمانان با آنها توهین می‌کرد از طرف مقامات دولتی تعقیب میشد (۸)

و هم اکنون در فارسی و پهلوی، رساله هائی است که موضوع آنها شرح مباحثاتی است که بین فقهای زردشتی و مسلمان در حضور خلیفه واقع شده است. از آنجمله مباحثه ای است که میان مؤبد مؤبدان با فقیه مسلمانان در باره هرمز و اهریمن صورت گرفته است. و رساله دیگری هم در پهلوی بنام (گجسته ابالیس) موجود می‌باشد. (۹)

از اینها معلوم می‌شود در دوران قدرت مسلمین، علمای زردشتی همچنان فعالیت‌های دینی و فرهنگی

خود را دنبال می‌کردند و از طرف مسلمانان هیچ گونه مزاحمتی نسبت با آنها نبود؟

همچنین آتشکده‌های زیادی که در سراسر ایران وجود داشت همچنان شعله ور بودند و حتی آثاری از آنها هنوز در ایران و خارج ایران باقی مانده است، زردشتیان که اسلام می‌آوردند خودشان آتشکده‌ها را نیز به مسجد تبدیل می‌کردند (۱۰)

«مستر ریچارد فرای (R. Fry) نویسنده کتاب « میراث باستانی ایران، در کتاب خود می‌نویسد. « از منابع اسلامی چنین بر می‌آید که استخر در فارس که یکی از دو کانون آئین زرتشتی در ایران ساسانی (کانون دیگر آن در شیز آذر - بایجان) بود در روزگار اسلام نیز همچنان شکوفان ماند. اندک اندک شبکه آتشگاهها با کم شدن زردشتیان رفته رفته کاستی نهاد با اینهمه بیشتر مردم فارس تا قرن دهم میلادی همچنان به آئین زردشت وفادار ماندند و پس از آن تاروکار کشور گشائی سلجوقیان در سده یازدهم انبوهی زردشتی در فارس میزبندند (۱۱)

آری در دورانیکه دانش و هنر در انحصار مؤبدان بوده و کتاب و کتابخانه در اختیار آنان قرار داشت، محترم بودن مؤبدان و محفوظ بودن آتشکده ها، بهترین موجبی است که آثار و کتابهای زردشتیان نیز از گزند حوادث محفوظ ماند و بفرهنگ عظیم اسلامی انتقال یافت.

(۸) فرهنگ ایرانی ص ۳۰-۳۱.

(۹) این رساله بفارسی ترجمه شده است.

(۱۰) تاریخ تمدن ایران ساسانی ج ۲ ص ۹۹ : سمید نفیسی

(۱۱) میراث باستانی ایران : ص ۳۹۶ - معجم البلدان : یاقوت حموی در کلمه (فارس)

می خوانند» (۱۴)

بقول «علامه شبلی نعمانی»، سرجان ملکم، سالها مقیم ایران بود و در زبان فارسی مهارتی تمام داشت بعلاوه توجه خاصی بتاریخ اسلام داشته است و با همه اینها پایه تحقیقات را به بینید که در این همه عبارات عریض و طویل يك حرف صحیح هم از زبان او در نیامده است» (۱۵)

البته اینگونه مطالب خلاف واقع و دور از انصاف از يك جاسوس پول پرست، شعبده- باز و جاه طلب، زیاد خلاف انتظار نیست. ولی تعجب و تأسف از بعضی از هموطنان ماست که با اینکه خودشان به مآخذ تاریخ اسلام دست دارند و بهتر می دانند که این اراجیف ساخته شخص و سرجان ملکم» است و در هیچ سند تاریخی پیدا نمی شود؛ باز هم این کلمات را در کتابهای خود نقل می کنند و سند تاریخی بآنها میدهند و بدینوسیله در ذهن بعضی از افراد بی خبر از تاریخ اسلام و ایران، سوءظن و بدبینی به اسلام و مسلمانان صدر اول ایجاد میکنند و بدین صورت خیانتی بزرگ و انکار ناپذیر به اسلام و مسلمین و فرزندان این آب و خاک مرتکب میشوند.

چنانکه باین مطلب جغرافیدان معروف اسلامی «ابن حوقل» در کتاب خود «صورة الارض» تصریح کرده است. آنجا که می نویسد: در هیچ جای دنیا باندازه فارس زردشتی وجود نداشت زیرا این ناحیه پایتخت کشور و مرکز دین و محل کتابها و آتشکده های آنها بود. آثاری که نسل بنسل بارث برده و تا بامروز در دست آنها باقی است» (۱۲)

در اینجا بدنیست سخن یکی از نویسندگان تاریخ فرهنگ ایران را نقل کنیم. او در این باره می نویسد: خدمتی که این دسته از مؤبدان و دانشمندان زردشتی بفرهنگ ایرانی کرده اند بیشتر از آن راه است که اینان از آثار ایرانی در دست داشته اند در نزد خود یا در آتشکده ها و جاهای امنی نگه داشته، پیوسته بدرس و بحث آن می پرداخته اند» (۱۳)

* * *

با توجه به مطالب بالا، روشن می شود که سخنان غرض آلود «سرجان ملکم» در کتاب تاریخ خود از نظر نقد تاریخی در چه پایه است. او می نویسد: «پیروان پیامبر عربی شهرهای ایران را با خاک یکسان ساختند، آتشکده ها را سوختند؛ مؤبدان را اذم تیغ گذرانیدند، کتابها و کسانی که کتابها در اختیارشان بود از بین بردند، مؤبدان را مجوس و ساحر می دانستند و کتب ایشان را کتب سحر

(۱۲) صورة الارض : ابن حوقل ص ۲۴۲-۲۴۳ طبع لبنان

(۱۳) فرهنگ ایرانی : دکتر محمد محمدی ص ۳۱

(۱۴) تاریخ ایران : سرجان ملکم بنا بنقل شبلی نعمانی در مجموعه مقالات ص ۶۴

(۱۵) کتاب شعر العجم : تألیف شبلی نعمانی ج ۱ ص ۹۰